

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شنبه ۲۰ جون ۲۰۲۶

انتخاب و ارسال: فریده نوری

به اشک مادری کز داغ فرزند

خدایا بنده درد آشنایم	به سر افتاده بی دست و پایم
ز غم ها سینه ام دریاست دریا	گواهم گریه های، های هایم
بدرگاه تو می نالم به زاری	مرا بگذار با این ناله هایم
مرا در آتش عشقت بسوزان	مکن زین شعله سرکش رهایم
از این آتش دلم را شعله ور کن	بسوزان، سوز دل را بیشتر کن
به آه در گلو بشکسته سوگند	به سوز سینه های خسته سوگند
به غم پرورده محنت نصیبی	که در خون جگر بنشسته سوگند
به اشک مادری کز داغ فرزند	فرو ریزد به رخ پیوسته سوگند
به بیماری که در هنگامه مرگ	بر آید ناله اش آهسته سوگند
بر آن برگشته ایام نگونبخت	که راهش از همه سو بسته سوگند
مرا در بیکسی پیوسته کس باش	به وقت ناله ها فریاد رس باش
به بی پایی که در راهی خزیده	به بی دستی که دست از جان کشیده
به محرومی که نالد در شب تار	ز غم ها جان او پر لب رسیده
به آن بیمار دار شب نخفته	که ریزد اشک محنت تا سپیده
به ناکامی که در شور جوانی	به خاک سرد گوری آرمیده
به پیر خسته جان مستمندی	که پشتش در تهی دستی خمیده
به آن طفل یتیمی بی پناهی	که لبخند محبت را ندیده

بده دستی که دستی را بگیرم

salamwatanam@gmail.com

ز خجلت پیش محتاجان نمیرم

قسم بر دستگاهی کبریایی	قسم بر شوکت عرش خدایی
قسم بر بینوای سیر چشمی	که دارد صد نوا در بینوایی
قسم بر گل رخ عاشق نوازی	که در او نیست رنگ بی وفایی
قسم بر مادری که از عشق فرزندی	بود گریان در شب های جدایی
قسم بر دختری کز راه پرهیز	شکیبایی کند در پارسایی

دو رنگی را ز جان من جدا کن

دلم را با محبت آشنا کن

